

گروه‌های صلح‌جوی مسیحی: هویت واحد مسیحی در تلاقی با جریان اصلی صلح‌جویی

پُل جی یادر*

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۵/۰۵ - تاریخ تأیید: ۹۷/۰۸/۰۳

DOI: 10.22096/HR.2019.105288.1106

چکیده

این مقاله ارتباط بین دین و حقوق بشر را که در قالب کار و ماموریت گروه‌های صلح طلب مسیحی و تیم‌های صلح طلب مسلمان تجسم یافته است، بررسی می‌کند. این نوشتار مدل‌هایی مانند نظریه‌های مارگارت کک و کاترین سیکینک را برای ارائه چارچوبی برای درک، نقد و نحوه کارکرد CTP و MPT برای مقایسه ارائه می‌دهد. گروه‌های CTP و MPT از طریق قرار دادن خود در موقعیت‌های جنگی به منظور کاهش تمام اشکال خشونت علیه غیرنظامیان با خشونت مبارزه می‌کنند. این جنبش در دهه ۱۹۸۰ بر اساس رویه «کلیسای صلح» مسیحیان متولد شده و این حرکت تا جرقه تشکیل جنبش‌های کمتر شکل یافته صلح طلبان مسلمانان گسترش یافته است. در حال حاضر دو گروه از طریق تمرینات مشترک و اهداف آموزشی همکاری می‌کنند. CTP و MPT یک مثال منحصر به فرد از ادغام دین و حقوق بشر را ارائه می‌دهند. در حالی که CPT به طور وسیع کار کرده است و تجربیات خود را به طور گسترده‌ای منتشر کرده است، هر دو گروه نمونه‌های همکاری بالقوه گروه‌هایی هستند که به منظور پیشبرد حقوق بشر از مذهب استفاده می‌کنند. از آنجایی که CPT ساختار سازمانی شکل یافته تری دارد، این مقاله بر روی این گروه تمرکز دارد تا اصولی که هر دو طرف به آن عمل می‌کنند را مشخص کند. به همین ترتیب، پرسش‌هایی درباره نحوه ارتباط بین حقوق بشر و مذهب در نحوه عملکرد CPT بسیار مشخص است. هدف اصلی CPT کاهش خشونت علیه غیرنظامیان از طریق قراردادن خود در معرض خطر است؛ به علاوه، CPT از طریق ایجاد شبکه‌هایی از جوامع مذهبی، سازمان‌های حقوق بشری و غیره تلاش می‌کند تا تغییرات کلانی را صورت دهد، حتی اگر بیشترین فعالیت ملموس آن‌ها بسیار کوچک باشد. CPT و MPT به وضوح از بنیاد عمیق مذهبی بهره می‌گیرند. تأکید بر انعکاس عادت‌های معنوی، تجربه معنوی جمعی و عبادت عمومی و خصوصی این بنیان‌ها را برجسته می‌کند. برخی دیگر از تاکتیک‌های کوچک این گروه‌ها عبارتند از اعتراضات مدنی، حفظ هویت غیر پرستانی یا تبلیغی، اجتناب از ادامه بی‌عدالتی و اجرای آموزه‌ها و نمونه‌هایی از صلح طلبی از حضرت محمد و حضرت عیسی. بخشی از

پارادوکس ناراحت کننده که برای مقاله ناگزیر است، مرتبه ای است که به نظر می رسد در میان گروه های همجنس و مشابه، موثرتر باشد. داستان تام فاکس (عضو CPT) این اصل را شرح می دهد. در حالی که اخیراً مدرسه بهداشت بلومبرگ دانشگاه جان هاپکینز میزان مرگ و میرهای عراق را از سال ۲۰۰۳ بیش از ۶۵۰۰۰۰ نفر اعلام کرده است، ربودن و مرگ فاکس در سال ۲۰۰۵ به میزان قابل توجهی [بیش از خبر کشتار عراق] توجه رسانه های غربی را جلب کرده است. رسانه هایی که به وضوح تبعیض آمیز عمل می کنند و توجه افکار عمومی، مواردی هستند که گروه هایی مانند CPT به منظور جلب توجه و ایجاد تغییر در شرایط درگیری باید با هر دوی آنها مبارزه کنند و همچنین در شرایطی از آنها استفاده کنند. بدین منظور، گروه هایی مانند CPT و MPT تلاش می کنند تا موانعی را که رسانه ها و دولت های قدرتمند آنها را ایجاد کرده اند، کنار بگذارند. این مقاله به دنبال جدی گرفتن شأن و منزلت تلاش-های مسلمانان و مسیحیان است.

واژگان کلیدی: ایجاد صلح؛ مسیحیان؛ مسلمان؛ کاهش خشونت.